

### متن پرسش

استاد گرامی سلام علیکم: نقد هیوم توسط علامه طباطبایی در مورد منشأ تصورات که می‌فرماید: منشأ این علم آن است که هر علم حصولی مسبوق است به یک علم حضوری؛ یعنی قبل از آنکه نفس تصویری از شیء حاصل کند، باید واقعیت آن شیء را به علم حضوری دریابد. سوال اینجانب این است که: علامه می‌فرماید (قبل از آنکه نفس تصویری از شیء حاصل کند، باید واقعیت آن شیء را به علم حضوری دریابد)، منظور از واقعیت شیء چیست، و واقعیت شیء به چه معناست و چگونه بدست می‌آید؟ یعنی نفس واقعیت شیء را در خود می‌یابد و حاضر می‌شود؟ نفس مگر به افعال خود و شئون و مراتب خود علم حضوری ندارد؟ شیء خارجی که خارج از نفس است چگونه به آن علم حضوری پیدا کند؟ مگر می‌شود؟ پس تکلیف علم حصولی که یک ادراک بدیهی است چه می‌شود؟ مگر علم به خارج حصولی نیست؟ که البته هست.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: باید بر روی «مُعَدَّبُودن» شیء خارجی و ابداعِ نفس، صورتی مطابق شیء خارجی فکر کنید. احتمالاً در آرشیو سایت در قسمت «معرفت نفس» بتوانید مطالب را دنبال فرمایید. بهتر از آن‌جا، کتاب «معرفتِ نفس و حشر» است. موفق باشید